

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



دیسپاسی عمومی  
و  
ارتباطات استراٹژیک آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر

تألیف

روندا ذھارنا

ترجمہ

مہدی ذوالفقاری

(دانش آموختہ دانشگاه امام صادق علیہ السلام)



## فهرست مطالب

۹	..... سخن ناشر
۱۱	..... پیشگفتار مترجم
۱۵	..... تقدیرنامه
۱۹	..... مقدمه
۳۵	..... بخش یکم: دیپلماسی عمومی در زمان بحران
۳۷	..... فصل ۱. مشکل ایالات متحده در حوزه ارتباطات
۳۸	..... همدردی جهانی
۴۳	..... حرکت به سمت ضدیت با آمریکا
۵۳	..... گذر به فراسوی وجهه آمریکا - تحلیلی عمیق تر از حادثه ۱۱ سپتامبر
۶۹	..... فصل ۲. نبرد فتح قلوب و اذهان
۶۹	..... زنگ بیداری برای دیپلماسی عمومی ایالات متحده
۷۳	..... نبرد
۷۵	..... شبکه تروریسم
۷۵	..... ابتکار ارزش‌های مشترک
۷۸	..... مجله‌های (HI)
۸۰	..... بورسیه‌ها و تبادلات فرهنگی آموزشی
۸۴	..... رادیو ساوا
۸۶	..... شبکه ماهواره‌ای الحره

- ۸۹.....آژانس توسعه بین الملل ایالات متحده (USAID).....
- ۹۰.....نیروهای حافظ صلح.....
- ۹۱.....وزارت دفاع.....
- ۹۴.....نیروهای ارتش ایالات متحده در عراق.....
- ۹۶.....عکس العمل کمپین.....
- ۱۰۲.....چالش های دیپلماسی عمومی.....
- ۱۰۳.....موانع فرهنگی.....
- ۱۰۷.....موانع سیاسی.....
- ۱۱۰.....برداشت ایالات متحده از مخاطبان خود: دوست یا دشمن؟.....
- ۱۱۵.....**فصل ۳. جستجو بدنبال پاسخ**.....
- ۱۱۶.....گزارش ها و پیشنهادات.....
- ۱۲۵.....نقاط کور و مسایل حل نشده.....
- ۱۳۷.....ادامه نبرد (۲۰۰۸-۲۰۰۵).....
- ۱۴۷.....**بخش دوم: ظرفیت های نوین**.....
- ۱۴۹.....**فصل ۴. ظرفیت های نوین و دورنمای استراتژیک**.....
- ۱۵۰.....دیپلماسی عمومی ایالات متحده در نگاهی به گذشته: مباحثات و الگوهای تکراری.....
- ۱۵۲.....ابتکار ریاست جمهوری، امتناع کنگره.....
- ۱۵۳.....مخالفت داخلی، اثرات حاصل از اطلاعات خارجی.....
- ۱۵۵.....رقابت بین سازمانی.....
- ۱۵۷.....تبلیغات در برابر حقیقت.....
- ۱۵۹.....دیپلماسی عمومی و روابط عمومی.....
- ۱۶۲.....دیپلماسی عمومی و دیپلماسی فرهنگی.....
- ۱۶۳.....گذار از دیپلماسی سنتی به دیپلماسی عمومی.....
- ۱۶۷.....از دیپلماسی عمومی به «دیپلماسی عمومی نوین».....
- ۱۶۸.....بازیگران جدید.....
- ۱۷۲.....ابزارهای ارتباطی جدید.....
- ۱۷۵.....عرصه ارتباطات جهانی: بازیگران، ابزارها و ظرفیت های جدید.....

فصل ۵. تفاوت‌های حوزه قدرت نرم: مقایسه ارتباط از طریق رسانه‌های جمعی و ارتباطات شبکه‌ای	۱۸۱
مسئله غامض قدرت نرم	۱۸۲
ظرفیت‌های ارتباط جمعی، کنترل قدرت نرم	۱۸۵
ظرفیت‌های ارتباطی شبکه: خلق قدرت نرم	۱۸۸
ساختار شبکه: تسهیل تبادل پیام و جریان‌یابی اطلاعات	۱۸۹
هم‌افزایی شبکه: برقراری رابطه و تنوع	۱۹۹
برقراری روابط داخلی بین اعضای شبکه	۱۹۹
استراتژی شبکه: اعتبار آفرینی مشترک، آگاه‌سازی افراد از مشکل و هویت‌سازی	۲۰۵
مقایسه قدرت نرم در قالب‌های ارتباطات جمعی و شبکه‌ای	۲۱۱
فصل ۶. ارتباط، فرهنگ و هویت در دیپلماسی عمومی	۲۱۷
فرهنگ در روابط بین‌الملل و دیپلماسی عمومی	۲۱۷
فرهنگ پیدای و پنهان در دیپلماسی عمومی ایالات متحده	۲۲۲
بنیان‌های فرهنگی دیپلماسی عمومی ایالات متحده	۲۲۸
فردگرایی/ استقلال و جمع‌گرایی/ وابستگی	۲۳۰
دیدگاه‌های انتقالی و زنجیره‌ای در مورد ارتباطات	۲۳۴
چالش‌های هویت و فرهنگ در دیپلماسی عمومی	۲۳۹
بخش سوم: کسترش چشم‌انداز استراتژیک و سیاسی عمومی ایالات متحده آمریکا	۲۴۷
فصل ۷. استراتژی و تاکتیک: چارچوب‌های مفهومی	۲۴۹
از رویکرد جزئی نگر به کلی نگر	۲۴۹
چارچوب اطلاعاتی	۲۵۱
انواع اقدامات اطلاعاتی	۲۵۶
تبلیغات	۲۵۷
پخش برنامه‌ها در سطح بین‌المللی	۲۵۸
کمپین‌های اطلاعاتی	۲۶۰
برندسازی از ملیت آمریکایی	۲۶۲
روابط رسانه‌ای	۲۶۳

۲۶۴.....	چارچوب ارتباطی .....
۲۷۰.....	انواع اقدامات ارتباطی .....
۲۷۴.....	سطوح مختلف اقدامات ارتباطی .....
۲۷۶.....	گسترش دیدگاه مفهومی اقدامات ایالات متحده در حوزه دیپلماسی عمومی .....
۲۷۹.....	<b>فصل ۸. استراتژی فراگیر: از نبرد تا برقراری رابطه .....</b>
۲۷۹.....	استراتژی فراگیر، استراتژی و تاکتیک .....
۲۸۹.....	اعتبار استراتژی فراگیر ایالات متحده .....
۲۹۶.....	از رقابت تا همکاری .....
۲۹۸.....	از کیفیت به کمیت .....
۲۹۹.....	از کنترل به همکاری .....
۳۰۰.....	از مخاطبان محدود تا مخاطبان جهانی .....
۳۰۱.....	از محصول تا روند .....
۳۰۷.....	<b>نتیجه گیری .....</b>
۳۱۲.....	چالش‌های قدیمی .....
۳۱۶.....	یافته‌های مفید برای مجریان دیپلماسی عمومی .....
۳۱۸.....	آینده فلسفه دیپلماسی عمومی .....
۳۲۳.....	<b>یادداشت‌ها .....</b>
۳۵۹.....	<b>نمایه .....</b>



سخن ناشر

۱۰ □ دیپلماسی عمومی و ارتباطات استراتژیک آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر

## پیشگفتار مترجم

دیپلماسی عمومی پیوندی گسست‌ناپذیر با قدرت و سیاست دارد. در همین راستا جوزف نای با تعریف قدرت نرم به «نفوذهای غیرمستقیم و نامرئی از قبیل فرهنگ، ارزش و ایدئولوژی» بر دامنه اثرگذاری این مقوله در دیپلماسی عمومی تأکید کرده است. دیپلماسی عمومی طیفی از فعالیت‌های مختلف را در برمی‌گیرد، که همه آنها در شرایط گوناگون و در مسیرهایی به موازات رویه سیاست خارجی و اهداف خاص آن پیش می‌روند. اکثر شکل‌های دیپلماسی عمومی دربرگیرنده تصویرسازی و اطلاعات است. تصویری که معمولاً از دیپلماسی عمومی ارائه می‌شود این است که دیپلماسی عمومی درست برخلاف واقعیت‌های غیرمنعطف دیپلماسی خشن و اقدام نظامی، خوب، دلنشین و آرامش‌بخش است. در رویکرد مبتنی بر قدرت نرم به دیپلماسی عمومی، ایالات متحده می‌کوشد منافع خود را از طریق جاذبه (برخلاف اجبار) پیش ببرد. قدرت نرم بهره‌گیری از جذابیت فرهنگ، آرمان‌های سیاسی، و خط‌مشی‌های یک کشور برای سوق‌دادن دیگران به تمجید از آن آرمان‌ها و الگوگیری از آن کشور است. این رویکرد به دیپلماسی عمومی از ابزارهایی از قبیل جزوات، صدای آمریکا، کتاب‌ها و سایر ابزارها برای توجیه خط‌مشی آمریکا بهره می‌گیرد و از برنامه‌های مبادله فرهنگی به‌ویژه در رابطه با رهبران در حال ظهور سایر کشورها برای ایجاد

شناخت و فهم فرهنگ آمریکا، و حمایت مالی از برنامه‌های مطالعات آمریکا در مدارس و دانشگاه‌های خارجی سود می‌جوید. در چنین مواردی، هدف دیپلماسی عمومی ایجاد روابط و فهم بلندمدت است.

روندا دهارنا استاد ارتباطات عمومی در مدرسه ارتباطات دانشگاه آمریکایی واشنگتن دی.سی است. او متخصص در ارتباطات میان فرهنگی و ارتباطات استراتژیک بین المللی است و حوزه تخصصی ایشان فرهنگ و ارتباطات در مناطق عربی و اسلامی است. علاوه بر تدریس ارتباط استراتژیک برای نزدیک به ۲۰ سال، او بر روی پروژه‌های ارتباطی برای شرکت‌های چندملیتی، سازمان‌های غیردولتی، مأموریت‌های دیپلماتیک و سازمان‌های بین‌المللی، از جمله سازمان ملل متحد، بانک جهانی و آژانس توسعه بین‌المللی ایالات متحده کار کرده است. تسلط و شناخت جامع نویسنده از خصوصیات مسلمانان و جهان عرب از جمله نقاط قوت اثر پیش‌رو است.

آنچه که نویسنده به دنبال طرح آن است بیان اهمیت مبحث دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی آمریکا است. اما نکات قابل توجه این است که نویسنده با ادله و آمارهای قابل توجه به شکست دیپلماسی عمومی ایالات متحده در قبال جهان اسلام به خوبی اشاره می‌کند. همین امر زمینه‌ساز اقبال عمومی از این اثر در مجامع دانشگاهی جهان اسلام شده است. همچنین اقبال به دیدگاه‌های نویسنده کتاب در محافل غربی نیز به دلیل نگاه انتقادی به دیپلماسی عمومی آمریکا در جامعه دانشگاهی آمریکا و غرب نیز در خور توجه است. از این منظر مطالعه این اثر به اساتید و دانشجویان رشته‌های روابط بین‌الملل و ارتباطات توصیه می‌شود.

این ترجمه را به پسر عزیز و نور چشمم آریا تقدیم می‌کنم، به این امید که در آینده از مجاهدان عرصه علم و دانش باشد و در جهت اعتلای اسلام و مسلمین گام بردارد. (هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ: آل عمران/۳۸) در انتها یادآور می‌شوم که هرگونه

پیشگفتار مترجم □ ۱۳

کوتاهی و قصور در ترجمه اثر متوجه بنده بوده و امیدوارم که ترجمه این اثر گامی به جلو در جهت شناخت ماهیت دیپلماسی عمومی آمریکا و نقاط قوت و ضعف آن باشد. و از تمامی مخاطبان درخواست میکنم که نقطه نظرات خود را از طریق ایمیل [zolfaghari118@gmail.com](mailto:zolfaghari118@gmail.com) با بنده در میان بگذارند.

و من الله التوفیق

**مهدی ذوالفقاری**

بیست و ششم آذر یک‌هزار و سیصد و نود و یک



## تقدیرنامه

هفت سال پیش که نوشتن این کتاب را آغاز کردم، فکر می‌کردم خیلی راحت‌تر و زودتر از اینها تمامش می‌کنم. آنچه باعث شده تا رنج نوشتن این اثر کمتر شود تشویق‌ها و دلگرمی‌های تعداد زیادی از دوستان، اعضای خانواده و همکاران بوده است.

در نوشتن این کتاب از راهنمایی‌ها و توصیه‌های صاحب‌نظران و اساتید صاحب نامی استفاده شده است. در همین رابطه لازم است مخصوصاً از بروس گرگوری، برای مرور دقیق و مفصلش بر متن کتاب تشکر کنم و همین‌طور از علی فیشر، جان اچ. بروان، فیل تیلور، داریل کوپلند و نانسی اسنو برای مروری که بر دست‌نوشته‌های اولیه انجام دادند. از جان دبلیو اندرسون، جان آرکیا، نیبیل ایاد، لتی کوتین پولگرم، تیم دوری، مارجوری گلدمن، کریگ هایدن، آلیس هیل، جان رابرت کلی، ام. همایون کبیر، دین کروگبرگ، توماس مک لین، جین ملیسون، جان ام. رید و لانا شیکم تشکر می‌کنم که به من کمک کردند تا در مواقع حساس افکارم را نظم بدهم. هرچند در تهیه این اثر صاحب‌نظران و اساتید نیز مشارکت داشته‌اند اما مسئولیت کوتاهی و نقایص را شخصاً به عهده می‌گیرم و از نظرات پیشنهادی استقبال می‌کنم.

مدرسه ارتباطات دانشگاه آمریکایی حمایت‌های بی‌دریغی را از من به عمل آورد، در همین رابطه بخصوص باید از جایزه تحقیقاتی سه ساله اهدایی از طرف این مدرسه نام ببرم که به من کمک کرد تا بیشتر وقتم را به نوشتن کتاب اختصاص بدهم. از نتایج همان تحقیق می‌توان به اولین کتاب نگارش یافته‌ام اشاره کرد که بر ویژگی‌های خاص دیپلماسی عمومی ایالات متحده اشاره دارد، و کتاب دیگرم که بنیان‌های مشخص دیپلماسی عمومی و برداشت‌ها و روش‌های عملی سازی‌اش را در سرتاسر جهان بررسی کرده است.

باز هم لازم است بخصوص از زحمات و پشتیبانی‌های لاری کیرکمن، راجر استریت‌متر، رز آن رابرتسون و نیز همکارانم جان واتسون، ریک استاک و نیز لنی اشتاین هورن تشکر کنم. تشکر ویژه نیز از دانشجویانم برای سؤالات و نظرات به جایی دارم که مطرح می‌کردند، از جمله از آدریانا گیلاند، جولیان اورت، ویلیام اوستیک، مارک اورمن و هونگ یو تشکر می‌کنم. همکاران تحقیقاتی‌ام طی سال‌ها با من همکاری داشته‌اند و در جایگاه ویراستار و خوانندگان منتقد مرا یاری کرده‌اند. از براندون بناویدس، شینی گوس، هیرال بیمرا کلمن، کارین جو، جاسمین ادو، ماندی تومی و ماندا شوویتزر تشکر می‌کنم. از دیل رامپل تشکر می‌کنم که در برنامه‌ریزی اولیه برای نگارش کتاب کمک کرد و بعد هم در روند نگارش همراه من بود.

در مرحله تولید و انتشار کتاب نیز افرادی با من همکاری داشتند که مایل هستم تا از آنها تشکر ویژه داشته باشم، واندانا ماتور برای نمونه‌خوانی و مگی استاگنر، ایمی هندریکس و جوانا مرلو نیز برای طرح روی جلد نظرهایی را دادند. زهرا رضوی آخوند و جان واتسون ویراستاری حرفه‌ای را انجام دادند که سبب شده است تا متن بهتر از آنچه ابتدا نوشته بودم خواننده شود. کار کردن با همکاران ویراستاری انتشارات پالگریو مک‌میلان واقعاً لذت بخش بود. از ایمی لنکستر اون، آلکساندرا وبستر، جما دآرکی و الیزابت بلک مور تشکر می‌کنم. شاید بدون کمک الکساندرا مدتها قبل از نگارش کتاب دست برداشته بودم. از ویدیا جایاپراکاش از نیوجن ایمیجینگ



## تقدیرنامه □ ۱۷

سیستمز تشکر می‌کنم که بر تولید و ویراستاری دست نوشته کتاب نظارت داشت. از پل شارپ و دونالی ویراستاران مجموعه نیز قدردانی می‌کنم. در نهایت تشکر خود را از خانواده خود اعلام می‌کنم که در تمامی مراحل حضورم در کشورهای مختلف جهان، به منظور تکمیل این اثر، از من حمایت و پشتیبانی نمودند. از پدر، مادر، نود، دورن و جو تشکر می‌کنم، در تمامی لحظاتی که مشغول نوشتن این اثر بودم، حضور آنان را احساس کردم. از نادیا تشکر می‌کنم که همیشه بهترین ویراستار کارهای من بوده است. از کمال تشکر می‌کنم که در سبک کردن بار کار به من کمک کرد. از همه افراد تشکر می‌کنم که با ایمان و حمایت همیشگی خود باعث شدند تا من توان نوشتن این اثر را داشته باشم.



## مقدمه

پس از وقوع حادثه ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱، دیپلماسی عمومی ایالات متحده شیب تندی را تجربه کرده است. درحالیکه پس‌لرزه‌های این حمله تروریستی همچنان به قوت خود باقی بود و دود از ساختمان برج‌های دوقلوی فروریخته بلند می‌شد، دولتمردان ایالات متحده به تکاپو افتادند تا منبع اصلی حمله به خاک این کشور را شناسایی کنند و ببینند که چطور باید در برابرش عکس‌العمل نشان بدهند. با تشخیص این نکته مهم که هرگونه برداشت از این حادثه در خارج از مرزهای ایالات متحده لاجرم اثر خود را بر داخل آمریکا خواهد داشت، دیپلماسی عمومی به سرعت در مرکز امنیت ملی قرار گرفت. بعد از اعلام تصمیم آمریکا به انجام نبرد علیه تروریسم، دیپلماسی عمومی از لحاظ اهمیت و رتبه‌بندی در میان ابزارهای مورد استفاده در نبرد، بعد از تهاجم نظامی قرار گرفت و از جمله اصلی‌ترین وسایلی بود که آمریکا در نبرد فتح اذهان و قلوب خود به کار بست. همانگونه که لی‌همیلتون<sup>۱</sup>، نایب رییس کمیسیون اثرگذار ۱۱ سپتامبر نیز در اظهارات خود گفت: دیپلماسی عمومی یعنی «جلوی آمدن دشمن به اینجا و کشته شدنمان را بگیریم».

گذشته از پس زمینه احساسی که برای مطرح شدن دیپلماسی عمومی در سطح ملی آمریکا به وجود آمد، انتقال پیام مورد نظر دولت این کشور به جهان خارج نیز تبدیل به هدف این کشور شد و در این راستا، جهان اسلام و جهان عرب تبدیل به اصلی‌ترین مخاطبان دستگاه دیپلماسی این کشور شدند. این امر نه تنها بدلیل ملیت هوایماربایان و برخاستن آنها از این مناطق از جهان بود، بلکه بعلاوه بدین سبب انجام می‌شد که بسیاری از افراد معتقد به تخریب شدید تصویر ایالات متحده در مناطق عرب و مسلمان‌نشین جهان بودند. لازمه تحقق یافتن هدف دوگانه ایالات متحده این بود که نه تنها از دیپلماسی جهت ترویج ارزش‌های آمریکایی استفاده شود، بلکه پیام و تبلیغ تروریست‌ها نیز به حاشیه رانده و طرد شود. از دیدگاه ایالات متحده مرزهای نبرد میان این کشور و تروریست‌ها واضح بود، اما ظاهراً شهروندان کشورهای اسلامی با این طرزتفکر موافق نبودند و مدام اظهارنظرهایی از کشورهای مختلف اسلامی به گوش می‌رسید که طی آن جنگ علیه تروریسم را در ظاهر پوششی برای جنگ با تمدن‌ها و قرار گرفتن غرب در برابر جهان اسلام میدانستند.

دولت بوش به منظور تسریع در سر و سامان دادن به امور، دست به ابداع یک سری روش‌های خلاقانه زد که در تاریخ دیپلماسی این کشور نظیر نداشت. وزیر امور خارجه این کشور که مسئولیت دیپلماسی عمومی را به عهده گرفته بود، وظیفه انجام و اجرای مبارزه‌ای تبلیغاتی را در اختیار داشت و قرار بود تا از طریق این مبارزه تبلیغاتی، آمریکا و ارزش‌های این کشور همانند کالایی با نام تجاری خاص خود تهیه و به خورد جهان اسلام داده شود. این مبارزه تبلیغاتی ۱۲ میلیون دلاری شامل تهیه و توزیع برنامه‌های رادیویی، تلویزیونی و تبلیغات چاپی می‌شد که در رسانه‌هایی از قبیل اینترنت و در قالب‌های متنوعی چون تورهای سخنرانی و دیگر برنامه‌های مشابه پخش می‌شود. گرچه اقدامات یاد شده با سر و صدا و بوق و کرنای زیادی معرفی شدند، اما در نهایت از هیچ کدامشان نتایج مورد انتظار بدست

نیامد. در سال ۲۰۰۵، هنگامی که خانم کارن هیوز<sup>۱</sup> یکی از قدیمی‌ترین مشاوران رییس جمهور در امور ارتباطات، مسئولیت دیپلماسی عمومی این کشور را به عهده گرفت، امیدهای تازه‌ای جان گرفتند. هیوز نیز در همان ابتدای کار اقدام به انجام سفرهای زنجیره‌ای تحت عنوان «تور شنیداری»<sup>۲</sup> کرد تا نشانه‌ای باشد بر شوق ایالات متحده به شنیدن سخنان مردمی که در جهان عرب و مناطق اسلامی سکونت دارند.

مجله‌های (HT)(۲۰۰۳)، که بر روی کاغذ گلاسه چاپ شده و در باب موضوعات مختلف زندگی مدرن و غربی است و نیز وب سایتی که برای آن راه اندازی شده است، به قصد برقراری ارتباط با جوانان عرب ابداع گردیده است. رادیو ساوا<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) نیز از جمله تلاش‌هایی است که سبک سنتی خبری صدای آمریکا را در پیش گرفته است و به دنبال جذب جوانان عرب از طریق پخش ترکیبی از موسیقی پاپ عربی و آمریکایی برای آنان است. در سال ۲۰۰۴ نیز ایالات متحده شبکه تلویزیونی ماهواره‌ای را راه‌اندازی کرد که به زبان عربی برنامه پخش می‌کند و نام آن الحرة<sup>۴</sup> (به معنی آزاد) است. هدف از راه‌اندازی این شبکه نیز رقابت با شبکه‌های محبوبی همانند الجزیره و العربیه بوده است.

سفرهای هیوز دست‌آوردی با خود به همراه نداشت، زیرا طی همین سفرها مشخص شد که وی کاملاً نسبت به فرهنگ مردم منطقه خاورمیانه و سیاست‌هایی که کشور متبوعش در این ناحیه از جهان دنبال می‌کند، بی‌اطلاع است. سایر اقداماتی که هیوز ابداع نمود نیز فراتر از مرزهای دیپلماسی عمومی رایج ایالات متحده بودند و به‌عنوان مثال شامل اعزام تیم‌های SWAT برای مقابله با اطلاعات گمراه کننده، برپایی و راه‌اندازی قطب‌های رسانه‌ای و شکل‌دهی به اقدامات مشارکتی خصوصی و عمومی و

---

1 . Karen Hughes

2 . listening tour

3 . SAWA

4 . Al-Hurra

نیز برنامه‌های تعاملی بوده است. تا موقعی که هیوز سکان هدایت دیپلماسی عمومی را بدست داشت، دیپلمات‌های ایالات متحده می‌توانستند در برابر رویدادهای از پیش معین عکس‌العمل نشان بدهند و علاوه بر این، وی مسئول اجرایی‌سازی اولین استراتژی ملی ایالات متحده در زمینه دیپلماسی عمومی و ارتباطات استراتژیک نیز بود. بعد از جابجایی غیرمنتظره هیوز، جیمز گلسمن<sup>۱</sup> جای وی را گرفت. تلاش‌هایی که گلسمن برای ترکیب ابزارهای مختل رسانه‌ای انجام داد، مثل فراهم آوردن امکان رقابت کاربران یوتیوب<sup>۲</sup> در زمینه تولید و تهیه ویدئوهای شخصی و نیز استفاده از تویتر به مسیر دیپلماسی عمومی ایالات متحده نظم داد.

#### میراث عبرت‌های گرفته شده

علی‌رغم برجستگی فوریت و اهمیت دیپلماسی عمومی در نبرد ایالات متحده علیه تروریسم، و نیز علی‌رغم طراحی و ابداع اقدامات ابتکارانه متعدد، آمریکا تحت زمامداری جورج بوش نتوانست به رمز برقراری ارتباط مؤثر با شهروندان جهان عرب و جهان اسلام دست پیدا کند. در این دوران ضدیت با آمریکا در جهان عرب افزایش پیدا کرد و از نیجریه که در غرب آفریقا واقع است تا اندونزی که در شرق دور قرار دارد، گسترش پیدا کرد. همزمان با به اتمام رسیدن دوران زمامداری جورج بوش در اوایل سال ۲۰۰۹، رتبه محبوبیت این کشور در جهان به پایین‌ترین سطوح خود تنزل کرده بود.

از آنجا که واکنش جمعیت مخاطب اقدامات مبتکرانه دیپلماسی عمومی ایالات متحده بی‌اعتنایی یا خشم مفرط بود، در برخی از موارد عمر این اقدامات حتی از آنچه ابتدا تصور می‌شد نیز بسیار کوتاه‌تر بود. به نحوی که گویا مخاطبان این قبیل اقدامات، درک و شناخت بسیار کمی از دیپلماسی

---

1 . James Glassman

2 . YouTube

عمومی داشتند و یا برای این دیپلماسی اهمیت آنچنانی قائل نبودند. جهان اسلام از منظر ایالات متحده توده‌ای وسیع و یکدست بود که نه شناختی از آن وجود داشت و نه در قالب خاصی تعریف شده بود. از آنجاییکه ایالات متحده مذهب را به‌عنوان فصل مشترک تمامی کشورهای اسلامی و مسلمانان در نظر گرفت، لاجرم ۱.۳ میلیارد مسلمان را یکجا دسته‌بندی کرد. بنا به تصورات مقامات این کشور، این تعداد مسلمان مذهب خاصی داشته، سرنوشت مشترکی داشتند و هویت جدیدی برایشان تعریف شده بود. به همین منوال و در جهتی کاملاً مخالف با خواسته‌های آمریکا، تلاش‌هایی که این کشور برای ترویج فرهنگ و ارزش‌های خود در جهان اسلام انجام داد، منجر به بیداری در مناطق هدف شده و سبب شد تا کشورهای این نقطه از جهان دست یاری به هم بدهند تا از فرهنگ‌ها و ارزش‌های اسلامی خود محافظت کنند. «راهبرد متحد سازی» که به این منظور در پیش گرفته شد - یعنی تأکید بر قدرت نظامی، ابزارهای رسانه‌های جمعی و استراتژی‌های ترویج فرهنگ و ارزش‌های ایالات متحده - دقیقاً موجب اتحاد همان جمعیت هدفی شد که آمریکا تغییر باورها و ارزش‌هایشان را در نظر گرفته بود. در نتیجه جمعیت مخاطبان این تبلیغات که حس می‌کردند مورد بی‌احترامی و بی‌مهری قرار گرفته‌اند، مدام تلاش‌های آمریکا برای برقراری ارتباط را با عناوینی همچون «متکبرانه» یا «توهین‌آمیز» توصیف می‌کردند. گذشته از این، اقدامات آمریکا در این برهه از زمان و در کمال تعجب تا حد زیادی غیرسیاسی بود. اعتبار و وجهه آمریکا از ناحیه عدم ارتباط میان دیپلماسی عمومی این کشور و سیاست خارجی آن متحمل اثرات منفی گشته بود. بر اساس نظرسنجی‌ها و افکارسنجی‌های مدامی که صورت می‌گرفت در این میان عواملی همچون جنگ عراق و منازعه ادامه‌دار اسرائیل و فلسطین، اصلی‌ترین دلایل وجهه منفی ایالات متحده بودند. ظاهراً دولت بوش نمی‌توانست در زمینه دیپلماسی عمومی و بحث و مجادلات سیاسی که بر سر آن انجام می‌داد موفقیتی بدست بیاورد. از منظر سیاست‌گذارانی که

در واشنگتن مستقر بودند، مشکل از سیاست خارجی ناشی نمی‌شد بلکه مشکل از نحوه ارائه این سیاست بود. نتیجه این دست‌آرزیابی‌ها، ابداع و طراحی نمودن اقدامات و ابتکارات بیشتر و بیشتر بود که با بهره‌گیری از تکنولوژی و استراتژی‌های جدید انجام می‌شد و البته به موازات این اقدامات، آنگونه که یکی از روزنامه‌نگاران عرب گفت: «شبهات و بدبینی در جهان اسلام نسبت به دیپلماسی عمومی آمریکا و جنجالی بودنش نیز افزایش پیدا می‌کرد». در صورتی که اقدامات ابتکاری را به صورت مجموعه‌ای کلی در نظر بگیریم، می‌توان نتیجه گرفت که این مجموعه از چندین جهت دچار نقص بود. همچنین از این دوران حساس و تاریخی دیپلماسی عمومی آمریکا درس‌هایی عبرت‌آموز نیز می‌توان گرفت. اهمیت و فوریتی که از جمله ویژگی‌های شاخصه دیپلماسی عمومی ایالات متحده تحت زمامداری بوش به حساب می‌آمدند، خود منتهی به اختصاص دادن بودجه‌های تحقیقاتی و آموزشی بیشتر به دیپلماسی عمومی به‌عنوان یک رشته دانشگاهی شد. علی‌رغم نیاز مبرم آمریکا به برقراری ارتباط در این دوران، زمامداران و سیاست‌گذاران تازه متوجه شدند که بورسیه‌ها و بودجه‌های اختصاص یافته به این رشته از دانش سیاسی تا چه حد ناقابل بوده است. به‌عنوان مثال، تاریخچه تحقیقی که از این شاخه از دیپلماسی در دست بود مربوط به دوران جنگ سرد می‌شد. البته در مقام مقایسه، درحالی‌که در دوره جنگ سرد مجموعه جامعی از اقدامات دیپلماسی عمومی طی چندین دهه متوالی به کار بسته شده بود، بعد از یازده سپتامبر لازم بود که دیپلماسی عمومی بر محور زمانی انطباق داشته و طراحی و اجرا شود. گذشته از این، گرچه مقامات ایالات متحده تلاش داشتند تا از همان روش‌های امتحان پس‌داده و مؤثر دوران جنگ سرد، نظیر رسانه‌های سستی و تکنیک‌های ارتباطی، استفاده کنند اما دریافتند که مخاطبان جدیدشان در جهان عرب و اسلام آنچنان هم تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند.

در کتاب حاضر، هدف تأکید بر نیاز مبرم آمریکا به تهیه چشم‌اندازی



وسیع و به‌روز از دیپلماسی عمومی استراتژیک است. بر این اساس، از جمله درس‌های مهمی که از یازده سپتامبر گرفته شده است، می‌توان به این نکته اشاره داشت که دیپلماسی عمومی، به‌عنوان فعالیتی سیاسی و ارتباطی-محور، برای مؤثر واقع شدن نیازمند برقراری توازن استراتژیک میان خود و تحولات سیاسی و ارتباطی بین‌المللی است. توازن یاد شده نیز هم باید در سطح استراتژی جامع و هم در سطوح پایین‌تر اتفاق بیفتد.

استراتژی جامع، دورنمای گسترده‌ای است که سیاست‌ها، مسائل مختلف و عموم مخاطبان روابط خارجی ایالات متحده را در برمی‌گیرد. هماهنگی و یکپارچگی این استراتژی صرفاً محصول هماهنگی‌های داخلی میان آژانس‌های مختلف در آمریکا نیست، بلکه توازن در محیط خارجی این کشور یا توازن در عرصه بین‌المللی هم جزئی از آن حساب می‌شود. اگر استراتژی جامع از توازن و تعادل برخوردار نباشد، در مجموع نتایجی که بدست می‌آید نیز اثرگذاری نخواهد داشت و حتی ممکن است معکوس باشد.

استراتژی جامع باری فراتر از آنچه باید را حمل می‌کند، زیرا همچون چتر گسترده‌ای است که هادی و راهنمای تدوین و به‌کارگیری استراتژی‌ها و تاکتیک‌های لازم برای تک‌تک اقدامات در عرصه دیپلماسی عمومی است. اگر استراتژی جامع منسوخ شود و یا با تحولات خارجی مطابقت نداشته باشد، حتی در صورت بکارگرفتن خلاقانه‌ترین اقدامات نیز بعید است نتیجه دلخواه را بدست بیاوریم. دلیل این است که در حقیقت شرط ثمردادن این استراتژی، برعکس آنچه که ممکن است مقامات ایالات متحده اندیشیده باشند، صرفاً بکارگیری تکنولوژی و تکنیک‌های جدید ارتباطی در تار و پود اقدامات مدنظر نیست. علاوه بر این و به همین قیاس، تنها در صورت بی‌نقص بودن استراتژی جامع است که هماهنگی داخلی میان سایر اقدامات می‌تواند کارآمدی کلی روش‌های ما را افزایش بدهد.

ظاهراً ایالات متحده به علت سراسیمگی برای پاسخگویی به حملات یازده سپتامبر، مجدداً مدل جنگ اطلاعاتی رایج در دوران جنگ سرد را

احیاء کرد و آنرا به عنوان استراتژی جامع خود بکار گرفت. دیپلماسی عمومی ایالات متحده در این دوران، در اصل روندی یک طرفه و بارانی از تهمت و ناسزا به اعراب و ساکنین مناطق اسلامی بود که از طریق رسانه‌های جمعی انجام شد. آنچه که این کشور نتوانست به خوبی انجام بدهد، انجام برآوردی صحیح از اعتبار و کارآمدی استراتژی جامع خود در سال‌های بعد از حادثه یازده سپتامبر بوده است. به راه‌انداختن جنگ موفق اطلاعاتی که قرار است استراتژی جامع ما باشد، مبتنی بر در اختیار داشتن برتری ارتباطی است، که آن هم بر مبنای تولید و انتشار اطلاعات ممکن می‌شود.

وقتی قرار بر شکست حریف در جبهه ارتباطات باشد، ارزش و اهمیت توده‌های مردم به تبع افزایش پیدا می‌کند و آنها دیگر مهره‌هایی منفعل دانسته نمی‌شوند. با ظهور رسانه‌های اجتماعی، امروزه شرکت جستن در نبردهای اطلاعاتی همسنگ جنگ‌های مرسوم و سنتی اهمیت دارد. استراتژی جامع فاقد چابکی و قدرت لازم برای اقناع و جهت‌دهی به تغییر و تحولات جهان امروز یعنی عصر ارتباطات جهانی است - که برای تعریف آن باید به مفاهیمی از قبیل ارتباط، تعامل و تنوع فرهنگی توجه داشت.

قابلیت ارتباطی و تعامل از جمله ویژگی‌های پویای رسانه‌های اجتماعی عصر جدید هستند. تنوع فرهنگی از جمله اثرات جانبی جنگ سرد است که سبب شد تا هویت و بیان‌های متفاوت فرهنگی رخ بنمایند. شاید در گذشته الگوهای فرهنگی یا اولویت‌های فرهنگی مسلط نقش مهمی را در برقراری ارتباط با شهروندان جوامع مختلف نداشتند، اما امروزه فرهنگ به تنهایی عامل بسیار مهمی است. باز هم به همین قیاس، درحالی‌که در گذشته تولید و انتشار اطلاعات برای کسب برتری ارتباطی لازم بود، اما امروزه کسانی می‌توانند قدرت ارتباطات را در دست گرفته و آنرا به نفع خود هدایت کنند که در بکارگیری راهبرد شبکه‌ای و ارتباطی مهارت داشته باشند.

در فصل‌هایی که در ادامه می‌آید، قصد داریم تا به بررسی چرایی و چگونگی عدم نتیجه بخشی دیپلماسی عمومی ایالات متحده در سطوح

مختلف، بعد از یازده سپتامبر پردازیم. در ابتدای امر اینگونه به نظر می‌رسید که علت نتیجه نگرفتن ایالات متحده در مناطق اسلامی و عرب‌نشین، عدم تجانس فرهنگی و ناآشنایی سیاست‌گذاران آمریکایی با مختصات فرهنگی-اجتماعی این مناطق باشد.

در سال‌های اولیه بعد از وقوع حادثه یازده سپتامبر، به ویژه در فواصل سال‌های ۲۰۰۴-۲۰۰۱ عیان گشته بود که استراتژی‌ها و تاکتیک‌هایی که تحت مجموعه اقدامات ابتکاری به کار بسته شده‌اند، با نیازها و اولویت‌های ارتباطی جمعیت متنوع و رنگارنگ کشورهای عربی و اسلامی مغایرت دارند. شهروندان عربی و کشورهای اسلامی، کانال‌های ارتباطی فرد به فرد و نیز راهبرد رابطه-محور را ترجیح می‌دادند، درحالی‌که از آن سو راهبرد آمریکا در این جریان اطلاعات-محور بود.<sup>(۱)</sup>

اگرچه میزان بکارگیری فناوری‌های ارتباطی جدید در میان مردم عرب و مناطق اسلامی نسبتاً کم است، اما فرهنگ غالب ارتباطی مردم در این مناطق ارتباط فرد به فرد است که ماهیتی مشابه قابلیت‌های رسانه‌های جمعی عصر جدید دارد. با این وجود، ایالات متحده در دیپلماسی عمومی خود قسمت اعظم سرمایه‌گذاری‌اش را بر روی اقدامات رسانه‌ای توده‌ای گذاشت و راهبرد اطلاعات-محور را اجرا کرد. بعدها پس از رواج یافتن استفاده از رسانه‌های جمعی در سطح جهانی و همزمان آشکارتر شدن جنبه‌های ارتباطی و شبکه‌ای این قبیل رسانه‌ها، نقصان‌های استراتژی جامع آمریکا نیز پررنگ‌تر شد.

### بررسی اجمالی کتاب

یکی از اهداف اصلی این کتاب بدست دادن تحلیلی استراتژیک از دیپلماسی عمومی ایالات متحده است. بدون دستیابی به درکی فراگیر از استراتژی جامع، دیپلماسی عمومی ایالات متحده همچنان در وضعیت آزمون و خطای فعلی خود باقی خواهد ماند. ترکیب فناوری‌های جدید، تغییر راهبردهای ارسال و تبلیغ پیام و هماهنگی تلاش‌هایی که انجام می‌شوند،

کمکی به تقویت دیپلماسی عمومی ایالات متحده نمی‌کنند مگر اینکه استراتژی جامعی که طراحی می‌شود واقع‌گرایانه باشد و امتحان خود را به خوبی پس بدهد. زیرا در دراز مدت، بیشتر احتمال عدم نتیجه بخشی تاکتیک‌ها و استراتژی‌های فرعی زیرمجموعه دیپلماسی عمومی آمریکا می‌رود.

افزایش بودجه و تشدید تلاش‌های ارتباطی ممکن است صرفاً منجر به بیگانه سازی هرچه بیشتر مخاطبان هدف و بزرگنمایی مشکلات شود تا اینکه کمکی به تسهیل شدن امور کند. این کتاب را برای استفاده دانشجویان، فعالان دانشگاهی و نیز آن‌دسته از افرادی به رشته نگارش درمی‌آورم که در رشته دیپلماسی عمومی قصد فعالیت دارند.

در حال حاضر، دیپلماسی عمومی حوزه‌ای دانسته می‌شود که هم در خلال روابط بین‌الملل و هم ارتباطات دسته‌بندی می‌شود. در مقابل انبوه گزارش‌ها و مطالعاتی که از منظری سیاسی به مسئله دیپلماسی عمومی ایالات متحده پرداخته‌اند، مطالعه حال حاضر همین مسئله را از دیدگاه ارتباطی ضروری نموده است. بعلاوه این مطالعه از نتایج تحقیقات صورت گرفته در حوزه ارتباطات و تئوری‌های مرتبط نیز بهره‌گیری کرده است و هدف از آن نیز در اختیار قراردادن بینش تازه‌ای به مباحث سیاسی است.

دو ویژگی در این کتاب گنجانده شده است که هنگام در نظر گرفتنشان به طور خاص دانشجویان و محققان را مدنظر داشتیم. یکی از این ویژگی‌ها، انجام تحلیلی تاریخی از دو دوره مهم در دیپلماسی عمومی است که بعد از یازده سپتامبر در فواصل سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۴ و نیز ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۸ به وقوع پیوستند. چهار سال اول که ۲۰۰۱ الی ۲۰۰۴ را شامل می‌شود، از این لحاظ اهمیت خاصی دارد که بعدها بسیاری از مدارک مربوط به تحولات این فاصله زمانی از اینترنت جمع‌آوری شد. در فصول ابتدایی این کتاب، جزییات کاملی را از اقداماتی که در این سال‌ها در حوزه دیپلماسی عمومی انجام شد و نیز دلیل اهمیت این اقدامات را برای خوانندگان توضیح می‌دهیم. البته اکنون که این اقدامات در قالب گذشته بررسی می‌شوند، بهتر

می‌توان متوجه فرضیات ساده‌انگارانه و اجرای ناقصشان شد. با این حال، باید به این نکته هم اشاره کرد که در آن دوره زمانی، دیپلماسی عمومی مفهومی ناشناخته در سیاست خارجی ایالات متحده تلقی می‌شد که مسئولان در سخنان خود و نقل قول‌هایشان به همراه توضیح مختصری معنا و اهمیت آن را شرح می‌دادند.

نکته دوم این است که در این کتاب تلاش می‌شود تا زمینه‌های لازم را برای ارائه نظریه‌ای در باب دیپلماسی عمومی آماده کنیم. با وجود اینکه اخیراً شاهد تولید حجم عظیمی از ادبیات مرتبط به حوزه دیپلماسی عمومی بوده‌ایم، اما باز هم قسمت اعظم این ادبیات و تحقیقات انجام شده توصیفی، تعریفی و حتی تکراری بوده است.<sup>(۲)</sup>

امید می‌رود که ابزارهای مفهومی و تحلیلی ارائه شده در فصول بعدی، تجهیزات تئوریک لازم را در اختیار دانشجویان و محققان قرار بدهد تا سطوح چندگانه استراتژیکی را شناسایی کنند که در تعریف دیپلماسی عمومی مؤثر و کارآمد به کار می‌آیند.

گذشته از مواردی که ذکر شد، فعالان در عرصه دیپلماسی عمومی می‌توانند از ساخت‌های نظری ارائه شده در این کتاب استفاده کنند تا بدانند چه هنگام و به چه دلیلی برخی از اقدامات دیپلماسی عمومی موفقیت‌آمیز هستند یا برعکس.

همانگونه که عنوان کتاب نیز نشان می‌دهد، چارچوب‌های نظری مطرح شده در فصول مختلف ارتباطات استراتژیک را بصورت کلی و دیپلماسی عمومی را به طور خاص در نظر داشته‌اند. البته از بعد از وقوع حادثه یازده سپتامبر برخی از ناظران دو اصطلاح یاد شده را به جای هم استفاده کرده‌اند. نویسنده این کتاب، مخصوصاً هر جایی که صحبت از تلاش‌های ایالات متحده در حوزه اطلاعات نظامی در نواحی درگیری بوده است، از اصطلاح ارتباط استراتژیک استفاده کرده است. در واقع در کتابی که پیش‌رو دارید، ارتباط استراتژیک معنی گسترده‌ای دارد و بسیار فراتر از

چارچوب نظامی به کار گرفته شده است.

همچنین در این کتاب، ارتباطات استراتژیک به صورت طراحی و اجرایی سازی سیستماتیک اقدامات ارتباطی تعریف شده است که برای دستیابی به هدفی از پیش تعیین شده به کار گرفته می‌شود.<sup>(۳)</sup> به موازات تغییر زمینه ارتباطی، استراتژی‌های طراحی و اجرایی سازی و نیز اهداف ارتباطی هم تغییر می‌کنند و البته باید این نکته را در نظر داشت که لزوماً تمامی انواع ارتباطات هم استراتژیک نیستند و قرار هم نیست که اینگونه باشند. برخی از اوقات موفق‌ترین انواع ارتباطات انسانی هنگامی شکل می‌گیرند که از قبل هیچگونه برنامه‌ریزی‌ای برایشان انجام نشده است و نظام مند و هدف محور هم نیستند.

از سوی دیگر، در صورتیکه سازمان یا نهادی هزینه بخصوصی را برای اقدامات ارتباطی خود اختصاص بدهد، ایده‌آل این است که نوع ارتباط استراتژیک باشد. به این منظور لازم است تا نهاد یاد شده هدف ارتباطی‌ای را برای خود تعریف کند و راهبرد سیستماتیکی را در پیش بگیرد. در صحنه سیاسی بین‌المللی، دیپلماسی عمومی را به‌عنوان ارتباط استراتژیک یک نهاد سیاسی در نظر می‌گیرند که این نهاد ممکن است دولتی یا غیردولتی باشد. کتاب حاضر به سه بخش تقسیم شده است. بخش اول که میراث عبرت‌های گرفته شده است، بازبینی‌ای از دیپلماسی عمومی ایالات متحده در بازه زمانی یازده سپتامبر می‌باشد. در ابتدای فصل ۱ به مروری بر رخداد‌های پس از وقوع حادثه مذکور می‌پردازیم، یعنی دورانی که حمایت بین‌المللی زیادی از آمریکا وجود داشت. بعد از آن نیز رخداد‌هایی را بررسی می‌کنیم که منجر به کاهش تدریجی حمایت بین‌المللی از ایالات متحده شد. اگرچه بسیاری از تحلیلگران معتقدند که ضدیت با آمریکا در دوران بعد از یازده سپتامبر افزایش پیدا کرد، اما تحلیل دقیق‌تری از روندهای جاری در آن دوره و بخصوص مسایل مربوط به ارتباطات عمومی نشان می‌دهد که چالش‌های پیش‌روی دیپلماسی عمومی ایالات متحده پیچیده‌تر و هزینه‌برتر

از این بودند که با بهبود وجهه این کشور حل شوند. در فصل ۲ به بررسی اقداماتی می‌پردازیم که طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ تحت عنوان دیپلماسی عمومی انجام شدند.

سال‌های ذکر شده بخصوص از دیدگاه ارتباطی اهمیت خاصی دارند، زیرا با توجه به رخدادهایی که در این فاصله زمانی بروز کرد، ایالات متحده در سال‌های بعد لحن و حتی پارامترهای مربوط به اقدامات بعدی‌اش را معین کرد. در فصل ۳ نگاهی خواهیم داشت به مجموعه‌ای از مطالعات خصوصی و دولتی و تحقیقاتی که نهادهای مختلف برای دستیابی به جواب‌های مورد نظر خود انجام دادند. با در نظر گرفتن تمامی این موارد، گزارش‌هایی که در دست داریم نمای کلی‌ای را از دیپلماسی عمومی ایالات متحده در سال‌های حساس ذکر شده بدست می‌دهد. البته باید به این نکته هم توجه داشت که با توجه به مشابهت این قبیل گزارش‌ها از نظر حوزه موضوعی، یافته‌ها، پیشنهادات نهایی- و نیز اشتباهات فرهنگی و ارتباطی- امکانش هست که همین گزارش‌ها سهواً سبب تداوم مشکلات دیپلماسی عمومی این کشور به جای کاهش آنها شده باشد.

در بخش دوم کتاب این موضوع را بررسی می‌کنیم که چگونه تغییرات رخ داده در عرصه‌های ارتباطی و سیاسی بین‌المللی مستقیماً دیپلماسی عمومی ایالات متحده را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در فصل ۴ پیش‌زمینه و سوابق تاریخی دیپلماسی عمومی ایالات متحده در اوایل دوران جنگ و نیز چالش‌های جدید پیش‌روی دستگاه دیپلماسی این کشور در عصر اطلاعات و عبور به عصر ارتباطات جهانی را مطرح می‌کنیم. فصل ۵ با تمرکز بر روی ارتباط و تعامل به‌عنوان ویژگی‌های عصر جدید شروع می‌شود. بدین ترتیب درصدد آن هستیم تا نشان بدهیم که چگونه در دوران کنونی ارتباطات شبکه‌ای جای ارتباطات توده‌ای را گرفته است. در فصل ۶ کانون تمرکز خود را بر فرهنگ به‌عنوان نیروی شکل‌دهنده سبک ارتباطات ایالات متحده در عرصه‌های بین‌المللی گذاشته‌ایم و علاوه بر این برداشت‌های مختلفی را بررسی می‌کنیم که

فرهنگ‌های مختلف از دیپلماسی عمومی ایالات متحده دارند. بخش سوم مختص به تئوری دیپلماسی عمومی است که ترکیبی است از سه سطح استراتژیک ابر استراتژی، استراتژی و تاکتیک‌ها. در فصل ۷ دو چارچوب مفهومی را برای استفاده در زمینه تحلیل استراتژی‌ها و تاکتیک‌های اقداماتی معرفی می‌کنیم که برای تحلیل تک‌تک اقدامات در دیپلماسی عمومی کاربرد دارند. از آنجاییکه این چارچوب‌ها هر یک نمایانگر دو دیدگاه به غایت متفاوت جامعه‌شناسی به مسایل ارتباطی و نحوه حل و فصل آنها هستند، اگر دیپلماسی ایالات متحده بخواند صرفاً محدود به یکی از این دیدگاه‌ها باشد لاجرم از اثرگذاری لازم نیز برخوردار نخواهد بود. در این فصل نیز به روش‌های گوناگونی می‌پردازیم که ایالات متحده با توسل به آنها می‌تواند دورنمای استراتژیک خود را گسترش بدهد و ارتباطات را از منظر چارچوب یا دیدگاهی جایگزین مدیریت کند. در فصل شماره ۸ ابزارهای تئوریک را برای شناسایی استراتژی‌های اصلی و تحلیل ارزش استراتژیک آنها معرفی خواهیم نمود. در این فصل همچنین به بحث و بررسی روابط مابین استراتژی اصلی، استراتژی‌های مختلف و تاکتیک‌هایی می‌پردازیم که در تئوری روابط عمومی مطرحند و این ساختارهای تئوریک را برای تحلیل نمودن روابط و سیاست خارجی بکار می‌گیریم. سیاست خارجی خود بخشی از مجموعه کلی دیپلماسی عمومی ایالات متحده را بعد از حادثه یازده سپتامبر تشکیل می‌داد. با بررسی تحلیل یاد شده، خوانندگان این کتاب متوجه روند نادیده گرفته شدن استراتژی‌های خلاقانه و تاکتیک‌هایی می‌شوند که می‌شد از آنها در قالب اقدامات منفرد بهره‌گیری کرد. ایالات متحده می‌توانست دیپلماسی بسیار کارآمدتری را اجرا کند، البته به شرطی که دستگاه سیاست خارجی این کشور وقت و انرژی خود را در راه مبارزه با جنگ‌های اطلاعاتی هدر نمی‌داد. به جای اقداماتی که نتیجه بخشی آنها از قبل محتوم به شکست بود، آمریکا می‌توانست میان خود و فرهنگ‌های مختلف پل‌های ارتباطی بسازد. در قسمت نتیجه‌گیری این کتاب



## مقدمه □ ۳۳

استراتژی جامع جدیدی را پیشنهاد می‌دهیم و اهدافی را که ایالات متحده می‌تواند به موازات این استراتژی در پیش بگیرد و در قالب دیپلماسی عمومی و ارتباطات استراتژیک خود تعقیب کند، بیان می‌کنیم.



بخش یکم

دیپلماسی عمومی در زمان بحران